

محصول دوره چاپ ماشینی

• سیدمحمد فدوی از هنرمندان

متعهد معاصر، گرافیست و نقاش است. رشته مورد علاقه او در گرافیک، تصویر سازی است. چند تابلوی مشهور از او، از جمله «طواف خونین» با استقبال جهانی روبرو شده است. وی در حال حاضر سرپرست دانشکده هنرهای زیبا در دانشگاه الزهرا است. در زیر گفتگوی ادبیستان را با او می خوانید.

□ از چه زمانی و با چه انگیزه ای به هنر گرافیک روی آورده اید؟

■ تقریباً از دوران کودکی و دوران دبستان بود که من به کارهای هنری، نقاشی و طراحی علاقه نشان دادم. با توجه به این که پدر و پدر بزرگم نقاش بودند، از طرف پدر تشویق شدم و کار به جایی کشید که در دوره دبیرستان قادر به نقاشی با رنگ و روغن بودم. گهگاه نیز از طرف مسئولین دبیرستان و یا حتی سازمانهای دولتی تشویق می شدم. سال ۵۴ دیپلم گرفتم و پس از گذراندن دوران سرپازی در کنکور هنرهای زیبا شرکت کردم و خوشبختانه قبول شدم. در دانشکده پس از گذراندن دروسهای عمومی، رشته گرافیک را به عنوان رشته تخصصی برگزیدم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حس کردم که انقلاب به تبلیغات نیاز دارد. و به همین علت نیاز به رشته گرافیک در جامعه بیشتر حس می شد. و همین احساس وظیفه باعث شد که به سمت این رشته کشیده شوم و در حال حاضر نیز در زمینه کارهای تبلیغاتی هنری، هم به نقاشی و هم کارهای گرافیکی مشغولم.

□ بیشتر در چه زمینه هایی کار می کنید؟
■ گرافیک گرایشهای مختلفی دارد گرایش من، «تصویر سازی» است. تصویر سازی حرفه خاصی است و من به این زمینه علاقه بیشتری دارم. در دانشکده نیز همین رشته را تدریس می کنم.

□ در خلق آثارتان بیشتر به چه زمینه خاصی علاقه دارید؟

■ پروژه لیسانس من در زمینه جنگ بوده است. اما به هر حال تمام کارهای من اعم از آنکه محتوایی سیاسی - اجتماعی داشته باشد و یا در زمینه کار کودکان باشد، جنبه تصویر سازی یا ایلوستراسیون بر آن غالب است. بعضی از این کارها در مجله هایی مثل مجله هنرهای زیبا به چاپ رسیده است. و از آنجا که می توان در تصویر سازی تکنیک های گوناگونی را به کار گرفت، من هم در اغلب این تکنیک ها - کم و بیش - تجربه دارم به همین دلیل نیز مشغول تدریس این واحد درسی در دانشگاه هستم.

□ آیا به غیر از «طواف خونین»، در ارتباط با حج اثر دیگری نیز خلق کرده اید؟

■ من ۴ بار به سفر حج مشرف شدم. طرح اولیه «طواف خونین» را نیز در مکه، در همان شبی که حجاج مظلوم ایرانی به شهادت رسیدند، طراحی کردم. و خوشبختانه سازمان تبلیغات آن را چاپ کرد و به تعداد بسیار زیادی چاپ و پخش شد. حتی اطلاع یافتم که در کشورهای خارجی نیز از این کار استقبال شده است. فکر می کنم علت استقبال عامه از این کار، تجلی احساس حقیقی من (و امثال من) از آن واقعه در این تابلو بوده است. می توانم بگویم که احساس واقعی ام را در آن لحظه ثبت کردم.

□ معمولاً از چه چیزهایی الهام می گیرید؟

■ مسلماً از جامعه و مسایلی که برای مردم رخ می دهد، الهام می گیرم و سعی می کنم مسایلی را که بر من اثر می گذارد در قالب تصویر بیان کنم. مثلاً در ارتباط با جنگ مسایل زیادی وجود داشت که قابل انعکاس بود. انعکاس مظلومیت پشت جبهه، حماسه آفرینی های مردم در پشت جبهه، اینارگری رزمندگان و... همه و همه از جمله وقایع تاریخی قابل ثبت بودند و وظیفه هنرمند، ثبت این حوادث بزرگ تاریخ است.

□ بنابراین شما فکر می کنید که هنرمند صرفاً از دیده هایش الهام می گیرد؟

■ خیر. هنرمند جماعت از همه چیز الهام می گیرد. هر چیزی که روی احساس او تاثیر بگذارد، زمینه خلق اثری می شود تا او بدینوسیله پیامش را به مردم برساند. این تاثیرات می تواند در هنگام دیدن وقوع حادثه ای ایجاد شود و یا هنگام مطالعه اثری. من خودم - شخصاً - اگر مطلبی را بخوانم و تحت تاثیر آن مطلب قرار گیرم، فوراً زبان تصویر را به کار می بندم. این روحیه همه هنرمندا است که از هر چیزی الهام می گیرند و محدوده خاصی در این خصوص نمی توان قائل شد.

□ به نظر شما هنر گرافیک محصول چه دوره ای از

زندگی بشر است؟

■ در ارتباط با تاریخچه گرافیک صحنه های زیادی

شده است. از جمله سندهای موجود اثبات می کند که در یونان قدیم نیز هنر گرافیک به گونه ای وجود داشته. به عنوان مثال در آن دوره تابلویی بوده که روی آن تابلو تصویر يك سگ هار و نوشته ای بدین مضمون نقش شده بود: «توجه، نزدیک نشوید، سگ هار!»

این کار، يك کار گرافیکی بود. یعنی خالق این اثر می خواسته است پیامی به بیننده بدهد. ولی واقعیت این است که هنر گرافیک به معنای امروزی آن، از دوره ای که چاپ ماشینی به کار گرفته شد، رواج پیدا کرد. با این حساب عمر هنر گرافیک بیش از ۱۰۰ سال نیست. گرچه این هنر به طور سریع و گسترده ای دارد پیشرفت می کند. امروزه دستگاه چاپ ماشینی بسیار پیشرفته شده و از کیفیت بسیار بالایی برخوردار است.

هنر گرافیک با چاپ رابطه تنگاتنگی دارد زیرا تمام کارهای گرافیکی باید چاپ و منتشر شود. بنابراین گرافیک محصول دوره ای از زندگی بشر است که چاپ ماشینی به کار گرفته شده است. البته به اعتبار دیگری می توان مدعی بود که از دوران بسیار قدیم نیز این هنر رواج داشته است. چون در رمانهای قدیم نیز صفحه آرایی، طرح روی جلد کتاب، صحافی، اطلاعیه های تصویری، کتابهای تصویری و حتی تصویر سازی داشته ایم. بسیاری از مینیاتورهای ما بیان داستان و مطلبی است و بیان داستان و مطلب به زبان تصویر همان ایلوستراسیون یا تصویر سازی است و به هر حال اینها از گرافیک جدا نیست. حیطه گرافیک بسیار وسیع است. گرافیک با تمام جنبه های گوناگون زندگی سروکار دارد. شما می توانید هنر گرافیک را در بسته بندی کالاها، در سینما، تلویزیون، نقاشی متحرک برای کودکان، انتشارات، روی جلد کتاب، پوستر، آرم و جاهایی دیگر ببینید. گرافیست ها در زمینه های مختلفی از این رشته ها تخصص یافته و در جامعه کار می کنند.

□ پس با این تفاسیر می توان گفت که رشد پدیده

صنعت و تکنولوژی ارتباط مستقیم با رشد این هنر و

گسترش آن دارد؟

■ کاملاً همین طور است، ببینید! گرافیک در



کشورهای غربی از حجم و وسعت بیشتری برخوردار است. چون اصل نظام سرمایه‌داری بر رقابت و تولید و فروش بیشتر است. طبعاً از رشته‌ای چون گرافیک که رشته‌ای تبلیغاتی و پیام‌دهنده است، استفاده بیشتری خواهد شد. نیاز به این رشته (و یا هر رشته هنری دیگر) به نوعی در پیشرفت آن هم مؤثر خواهد بود.

به همین دلیل غربیها در زمینه گرافیک بسیار کار می‌کنند و استفاده از تکنیکهای پیشرفته در این رشته زیاد به چشم می‌خورد. بسیاری از کارهای تبلیغاتی برای صادرات در غرب برعهده گرافیک است. اخیراً زاپنی‌ها نیز در این رشته موفقیت‌های چشمگیری کسب کرده‌اند. اساساً کشورهایی که سیاستشان بر تولید هرچه بیشتر و صادرات گسترده‌تر قرار دارد، به تقویت این رشته هنری می‌پردازند. تا بتوانند کالاهایشان را در قالب شکل و براننده‌ای عرضه کنند. و گرافیک بهترین مدرسان تبلیغات است که به وسیله آن پیام را

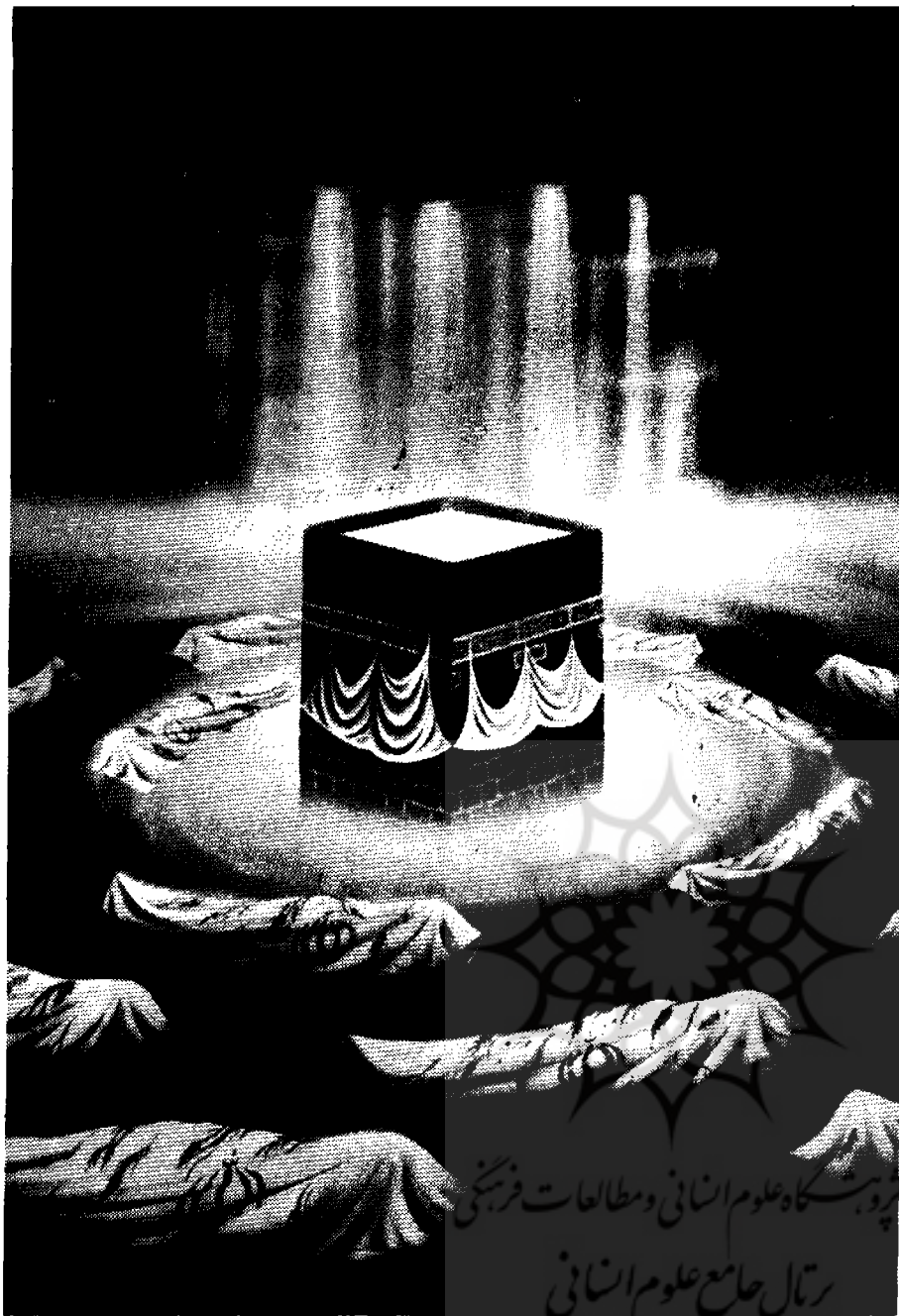
سریع‌تر و بهتر می‌توان رساند.

□ بنابراین آیا می‌توان گفت که گرافیک به شکل یکی از ضروریات زندگی شهری در آمده...

■ کشورها و جوامع صنعتی دارای پیچیدگی خاصی هستند. اگر علایم و آرماها به کمک مردم نرسد، در شهرها بی‌نظمی فراوانی به وجود می‌آید. هنر گرافیک به ایجاد نظم و ترتیب در شهر کمک می‌کند. یکی از مهمترین عواملی که باعث می‌شود مردم در متروها و یا مراکز تجمع دیگر نظم و ترتیب را رعایت کنند، علایم عمومی است. هنر گرافیک وظیفه پیام‌رسانی را به عهده دارد. و حتی آدم بیسواد نیز از این هنر بهره می‌برد.

□ در جهان امروز، این هنر کاربردی با چنین محدوده وسیعی در خدمت چه کسانی است؟

■ سؤال خوبی است. صاحبان زر و زور براساس خصلتهای خویش از این رشته سوء استفاده‌های زیادی می‌کنند. به خصوص در غرب، سرمداران دولتها شدیداً از این هنر برای پیام‌رسانی اقتصادی، فرهنگی سیاسی استفاده می‌کنند. ولی ما به قول مرحوم شریعتی باید از همان راهی که دشمن ما را



● هنر گرافیک به معنای امروزی آن ازدوره‌ای که چاپ ماشینی به کار گرفته شد، رواج پیدا کرد. با این حساب عمر هنر گرافیک بیش از ۱۰۰ سال نیست.

● هنر گرافیک با چاپ رابطه تنگاتنگی دارد. چون تمام کارهای گرافیکی باید چاپ و منتشر شود.

● هنرمند جماعت از همه چیز الهام می‌گیرد. هر چیزی که روی احساس او تاثیر بگذارد، زمینه خلق اثری می‌شود تا او بدینوسیله پیامش را به مردم برساند.

● گرافیک بهترین مدرسان تبلیغات است که به وسیله آن، پیام را سریع‌تر و بهتر می‌توان رساند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال هفتم علوم انسانی

استثمار و زیر سلطه کشیده برگردیم و علیه دشمنانمان عمل کنیم. بنابراین کشورهای که صاحب پیام رهایی بخش هستند، می‌توانند از همین رشته علیه جبهه دشمن استفاده کنند. لازمه این کار برنامه‌ریزی، دقت و شناخت هرچه بیشتر مسئولین است. نمونه‌ای در همین خصوص به خاطر آمد که ذکر آن را خالی از لطف نمی‌دانم. همه می‌دانیم که انیمیشن یا نقاشی متحرک یکی از رشته‌های بسیار ارزشمند و مفید رشته گرافیک و سینما است. که در دنیا استفاده‌های بسیاری دارد. چون بهترین وسیله پیام‌رسانی برای قشر کودک و نوجوان است. در همان اولین سال انقلاب، در مصاحبه‌ای با تلویزیون گفتم که ایران از لحاظ انیمیشن عقب است. و سازمان صدا و سیما به عنوان سازمانی که این رشته در حیطه تخصصش می‌گنجد، موظف است تشکیلاتی راه بیندازد، تا در ده سال آینده بتوانیم از این طریق پیامان را به جهانیان برسانیم. اما جواب این بود که بچه‌های ما بچه‌هایی هستند که زیر تانک و رگبار گلوله می‌روند و به انیمیشن و نقاشی متحرک احتیاجی ندارند. این فکر و نظریه باعث شد که دوازده سال از انقلاب بگذرد و هنوز این هنر فایده پیشرفتی شایسته نداشته باشد. در حالی که اگر مسئولین وقت در سال ۵۹ این حساسیت را داشتند و پی‌گیر مطلب می‌شدند. حال پس از گذشت دوازده سال از انقلاب دارای انیمیشن مناسبی بودیم و می‌توانستیم پیام‌های خوبی را که داریم در قالب این هنر به بچه‌های خودمان و حتی بچه‌های خارج از کشورمان برسانیم. حدود چند سالی است که ما در دانشکده‌های هنری هستیم این کار را از دانشکده‌ها شروع کردیم یعنی در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران یک مرکز انیمیشن راه اندازی کردیم که به مرحله تولید رسیده و دو فیلم از فیلم‌هایش نیز اخیراً به جشنواره راه یافته است و در حال حاضر هم که من مسئول دانشکده هنر دانشگاه الزهرا هستم. این کارگاه را در این دانشکده راه اندازی کرده‌ام که انشاءالله در آینده نزدیکی به مرحله تولید می‌رسد.

□ به نکته خوبی اشاره کردید آیا واقعا ما بعد از انقلاب توانستیم از این هنر (گرافیک) برای انتقال ارزشهای اسلامی و فرهنگی خودمان بهره کافی بگیریم؟

■ سؤال بسیار خوبی کردید. من جنبه‌های انتقادی را مطرح کردم. خوب است این جنبه را هم بگویم. روحیه یک کشور انقلابی، به خصوص کشوری که انقلاب اسلامی کرده و پیام الهی دارد به طور خودجوش باید از گرافیک بهره بیشتری ببرد. و همین طور هم هست. جاهایی مثل وزارت ارشاد و حتی صداوسیما پیشرفتشان بیشتر از دوران قبل از انقلاب بود و شما در حال حاضر اطلاع دارید که در سطح دنیا، هنر گرافیک ما (و به خصوص عکاسی که رابطه نزدیکی با گرافیک دارد) مطرح است. در حالی که قبل از انقلاب هنر گرافیک به این شکل مطرح نبود. علت پیشرفت همان روحیه انقلابی است و اساساً گرافیک هنرمند را به وادی تولید و پیام‌رسانی می‌کشاند. البته اگر کارها کمی سیستماتیک‌تر بود و مسئولین بیش از این مایه می‌گذاشتند، ما در انتقال پیامها وضع بهتری داشتیم. یکی از مشکلاتی که در حال حاضر شدیداً بر کار



هنرمندان گرافیک تأثیر گذاشته ابزار و امکانات کار است. ما در مورد وسایلی که غالباً باید از خارج وارد شود با کمبود روبرو هستیم. قیمت اجناس نیز بسیار بالا است. (مثل کاغذ، مقوا، رنگ، قلم و ابزارهای دیگر که گرافیک با آن سرو کار دارد). در جهان امکانات تکنیکی بسیار پیشرفته در عرصه این هنر به وجود آمده که متأسفانه این پیشرفتها هنوز در جامعه ما حاصل نشده است. نمونه بارز این پیشرفت استفاده از کامپیوتر در هنر گرافیک است.

در حال حاضر در آمریکا اغلب گرافیک‌سازان به کاغذ و قلم نمی‌برند. آنها ذهنشان را به کار می‌اندازند و طرحشان را در قالب شبکه کامپیوتری پیاده می‌کنند. و ارانه‌ی طرح با وسایلی تکنیکی جدید صورت می‌گیرد. به این ترتیب، انسان وقت بیشتری برای تفکر دارد و می‌تواند تصاویری را که در ذهنش نقش بسته به سرعت منتقل کند و به چاپ برساند. ما هنوز در این زمینه عقب هستیم و لازم است که سیستم کامپیوتری در ایران خیلی سریعتر رشد کند.

□ اگر یک اثر هنری را مخلوق حس و روح هنرمند بدانیم که این حس حتی به یک تغییر، بی‌اختیار دستهایش را وادار به حرکت می‌کند، چگونه می‌توان این حس و روح را به کامپیوتر منتقل کرد؟

■ استفاده از کامپیوتر به معنی منسوخ شدن تمام شیوه‌های سنتی و غیر سنتی در حال حاضر نیست. □ نه! نه! منظورمان این است که آیا می‌توان محصول کامپیوتر را یک اثر هنری دانست؟

■ کامپیوتر هم یک وسیله است مثل یک قلم مو، تصویر و ترکیب بندی رنگهایی که در ذهن یک هنرمند است با کامپیوتر عینیت می‌یابد، فقط همین! بنا بر این کامپیوتر فقط حکم یک وسیله را دارد، آنهم یک وسیله پیشرفته. این طور نیست که ما به کامپیوتر بگوییم برای ما نقاشی کن یا کار گرافیکی بکن. این تصور استیلا است. کار، کار هنرمند است، منتهی با کامپیوتر متلاً تا قبل از ظهور انیمیشن وسیله انتقال پیام در کودکان و نوجوانان، کتاب بود. ولی پس از ابداع نقاشی متحرک، پیام بسیار راحت‌تر و سریعتر انتقال می‌یابد. در دنیای فعلی لازم است که ما با حفظ اصول - یا به پای پیشرفت تکنولوژی حرکت کنیم. البته این بدین معنی نیست که ما هنرها و تکنیک‌های سنتی خودمان را کنار بگذاریم. نه اینها می‌توانند مکمل یکدیگر باشند و با هم منافاتی ندارند.

□ یعنی آیا با استفاده از شیوه‌های مدرن اجرایی، می‌توانیم محتوای فرهنگی خودمان را عرضه کنیم؟ ■ کاملاً درست است ما تکنیک را از همه دنیا می‌گیریم. و محتوای فرهنگ خودمان را ارائه می‌کنیم. زبانی‌ها از نظر تکنولوژی روی دست غربی‌ها بلند شده‌اند. گرافیک‌های زبانی بیش از غربی‌ها از کامپیوتر و تکنولوژی جدید استفاده می‌کنند. در حالی که محتوای کارهایشان کاملاً زبانی است. ما نیز مسلماً باید روحیه و فرهنگ خودمان را حفظ کنیم. و نباید در زمینه پیام‌رسانی از دنیا عقب بمانیم.

□ تفاوت هنر گرافیک و نقاشی در چیست؟ ■ این بحث چند سالی است که بین هنرمندان دانشگاهی نیز مطرح است. عده‌ای معتقدند که هیچ تفاوتی بین این دو هنر نیست. و عده‌ای قایل به مرزهایی بین این دو هنر هستند. و معتقدند نقاشی و گرافیک دو حیطه مختلف دارند. راستش من هنوز جواب قاطعی برای این سؤال ندارم. در بعضی از

سود می‌جویند. و در عین حال حافظ ارزشهای خودشان هستند. من احساس می‌کنم جامعه‌ای مثل جامعه ما که دارای ارزش‌های فرهنگی و سنتی خاصی است، اگر بتواند از تکنیک‌های پیشرفته برای بیان مطلب کمک بگیرد، از لحاظ محتوی دارای قوی‌ترین آثار گرافیکی خواهد بود. پیامهای ما پیامهای ارزشمندی است. با مطالعه کتابهای خارجی که منعکس‌کننده جدیدترین آثار گرافیکی جهان هستند، در می‌یابیم که اکثر آنها عاری از پیام‌های ارزشمند و گرافیک‌ها صرفاً در استخدام تشکیلات اقتصادی و تبلیغاتی اند. صرفاً کار تبلیغاتی می‌کنند.

□ آیا آموزش هنر گرافیک در کشور ما با مشکلاتی روبروست؟

■ مشکلات رشته گرافیک مشکلاتی است که گریبانگیر همه هنرمندهاست. و آن نداشتن امکانات اجرایی است. وسایل خاص این رشته بسیار کم و گران است. و این مشکل در دانشکده‌های هنری بیشتر احساس می‌شود. اما ما مشکل استادان آن معنا نداریم. مشکل فضا هم نداریم.

□ آیا در این زمینه آن قدر امکانات وجود دارد که از جدیدترین پیشرفتهای گرافیکی دنیا اطلاع حاصل کنید؟

■ یکی از کارهایی که در این دانشکده انجام داده‌ام، تاسیس کتابخانه بوده است و درخواست کردیم که آخرین کتابهای گرافیک، که در دنیا منتشر می‌شوند را برایمان بفرستند و در حال حاضر هم بسیاری از این کتابها به دانشگاه الزهراء رسیده و در اختیار دانشجویان قرار می‌گیرد. با خواندن همین کتابها متوجه می‌شویم که روز به روز دنیا چه ابزار کار و وسایل جدیدی به وجود می‌آید که کار هنرمندها را ساده تر می‌کند. ولی ما حتی از بعضی ابزار اولیه هم بهره مند نیستیم و در این خصوص مشکل داریم. اما از اینکه در دنیا چه اتفاقاتی می‌افتد و چه تغییراتی در شیوه آموزش به وجود می‌آید و در شیوه کار چه تغییری داده می‌شود: کاملاً مطلعیم.

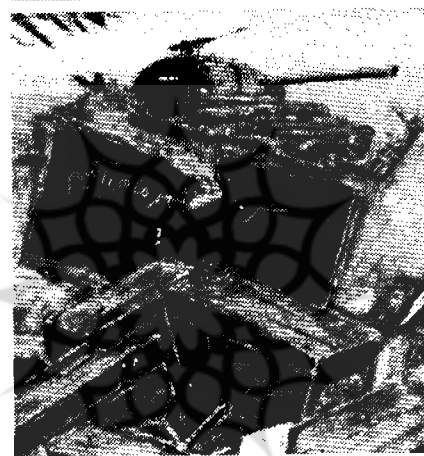
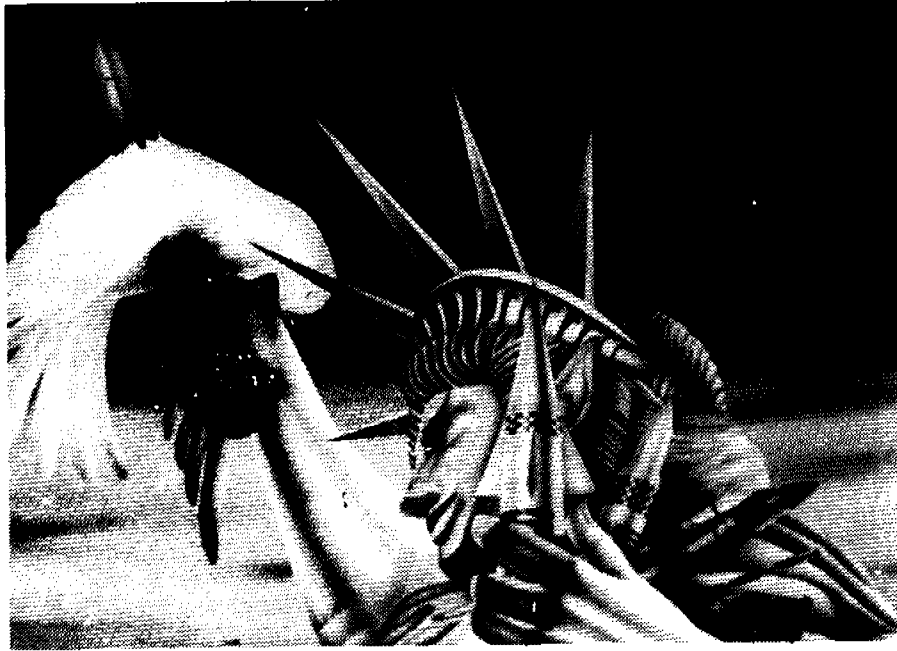
□ چند اثر هنری دارید؟

■ حدود ۳۰ تا ۳۵ کار دارم که به چاپ رسیده و بعضی از آنها محتوای سیاسی - اجتماعی دارد. البته چند تا از این کارها روی جلد مجله هنرهای زیبا به چاپ رسیده. در جستجوی فرصتی هستیم که نمایشگاهی از مجموعه کارهایم ترتیب بدهم در بعضی از نمایشگاههای جمعی شرکت کرده‌ام کارهایی که می‌کنم، متنوع است.

هم در زمینه گرافیک کار می‌کنم و هم نقاشی. اخیراً یکی از تابلوهای رنگ و روغن خود را که برای سالگرد حضرت امام (س) به اتمام رسانده‌ام، در قطع ۱/۵×۱ متر نیز به موزه شهدا تحویل داده شده است.

□ کدام يك از آثار هنری خودتان را بیشتر می‌پسندید؟

■ بهترین کارم را تابلوی «عروج ملکوتی حضرت امام» می‌دانم. آثار دیگری چون «طواف خونین»، «تندیس دروغین آزادی»، «پوستر سمینار بین المللی ریاضی»، و چندتای دیگر از آثار مورد علاقه‌ام هستند. □ از این که وقتتان را در اختیار ادبیستان گذاشتید تشکر می‌کنیم.



اشاره نکردم. يك نقاش احساسات درونی و برداشتهای خودش را از جامعه، تاریخ و هر چیزی که در دور و برش در زندگی وجود دارد و ذهنش را مشغول کرده، روی بوم نقاشی منعکس می‌کند. در نتیجه اغلب اوقات «سفارش دهنده» ندارد. سفارش دهنده خودش است. ولی گرافیک دقیقاً با «سفارش دهنده» روبرو است. چون وظیفه‌اش انجام سفارش است. در نتیجه تمام کارهایش بر اساس احساسات درونی وی نیست. بلکه بر اساس سفارشی است که صورت می‌گیرد.

□ کار کداميك از گرافیکهای بزرگ جهان را می‌پسندید؟

■ گرافیکستی است در ژاپن به نام «فوکودا» من به کارهای او علاقه دارم و معتقدم ایشان به عنوان يك ژاپنی با تکنیک بسیار قوی و ایده‌های جدید کار می‌کند.

□ کداميك از کشورهای جهان در هنر گرافیک پیشرو هستند؟

■ غربی‌ها بر اساس نظام سرمایه‌داری که دارند از این هنر بهره فراوان می‌برند و از لحاظ اجرا و تکنیک نیز بسیار قوی هستند. ولی من معتقدم که آثار گرافیک ژاپن بسیار بهتر از آثار غربیها است. کار ژاپنیها اصالت دارد. آنها از تکنولوژی پیشرفته

زمینه‌ها يك اثر نقاشی با يك اثر گرافیکی قابل مقایسه است و پیام واحدی دارند. منتهی قالب و تکنیک فرق می‌کند. مثلاً يك نقاش با رنگ و روغن روی بوم کار می‌کند و آن گرافیکست با قلم مخصوص روی مقوا کار می‌کند اما پیام هر دو رساست. البته در نقاطی این دو هنر از یکدیگر کاملاً جدا می‌شوند که در این مورد نیاز به بحث‌های زیادی است که در این مقوله نمی‌گنجد. نقاشی بیش از حد با احساس هنرمند و درون او سرو کار دارد. و دارای اصالت‌های خاص خودش است. بعضی از گرافیکستها هم با مایه‌های نزدیک به نقاشی کار می‌کنند ولی در صفحه آرای، آرم و کارهای فنی که کارهای دو دو تا چهارتای گرافیک است، این دو رشته از هم متمایز می‌شوند.

□ بنابراین آیا می‌توان گفت که نقاشی مفهومی عام‌تر از گرافیک دارد؟

■ به نظر من بر عکس است. گرچه نقاشی قدمت بیشتری دارد، ولی حیطه کار گرافیک بسیار وسیع است و وسیع‌تر هم شده و تقریباً تمام هنرهای تجسمی می‌توانند درون آن جا بگیرد.

نقاشی دارای اصالت خاصی است و از همان دوران اولیه زندگی بشر یعنی غارنشینی وجود داشته است. اگر از این دیدگاه به نقاشی نگاه کنیم تمام هنرهای تجسمی از نقاشی نشأت گرفته است. الان يك گرافیکست، نقاشی هم می‌کند. ممکن است در دکوراسیون تأثر هم دخالت کند. در صحنه آرایي يك فیلم سینمایی هم دخالت کند. بنابراین حیطه کار يك گرافیکست بسیار وسیع است و معمولاً همه رشته‌های تجسمی در آن جا می‌گیرد.

□ آیا وسعت حیطه کار گرافیک از هنری تر شدن آن کم نمی‌کند؟

■ خیر. □ ولی با این توضیحاتی که شما دادید، گرافیک در واقع به صورت يك کار روزمره در آمده که بعید به نظر می‌رسد صرفاً بتواند منعکس‌کننده احساسات يك هنرمند باشد.

■ فرقی بین نقاشی و گرافیک هست که من به آن